

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جانشینى و امامت حضرت على عليه السلام

استاد راهنما: حجت الاسلام خطیبی

نویسنده: یاسین تمیمی

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

مسأله جانشینی و امامت حضرت علی (علیه السلام) موضوع مهم و جنجال بر انگیزی بین شیعیان و اهل سنت بوده است که از دیر زمان مورد بحث و بررسی علمای هر دو مکتب قرار گرفته است.

شیعیان با استناد به حدیث صحیح و متواتر «غدیر» که در منابع فریقین آمده است امامت بلا فصل بعد از رسول خدا را به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده اند. اما اهل سنت با انکار صحت، دلالت و تواتر حدیث غدیر به رد اعتقاد شیعه پرداخته اند و حضرت علی (علیه السلام) را امام و خلیفه بلا فصل رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی دانند.

این مقاله که به صورت خلاصه از کتاب «نگاهی به حدیث غدیر» که آیت الله میلانی آن را تألیف کرده اند گرفته شده است به بررسی و مسار استدلال های اهل سنت پرداخته است و بر اساس مبانی خودشان، پاسخ اشکالات آنها داده شده است.

کلید واژه ها

حدیث غدیر، امام علی (علیه السلام)، اهل سنت، حجة الوداع، امامت

مقدمه

ابلاغ امامت امیر المؤمنین (علیه السلام) و خلافت نخستین امام شیعیان، از مهمترین اموری بوده است که پیامبر از آغاز دعوت^۱ تا آخرین لحظات عمره^۲ از طرف خداوند متعال مأمور به آن بوده است.

۱. که به حدیث یوم الدار، معروف است؛ معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۷۹ و ص ۳۷۸

۲. که همان حدیث غدیر مورد بحث است.

حدیث غدیره از احادیثی است که همیشه مورد توجه دانشمندان بوده است. به دلیل اینکه خداوند متعال، پیامبر اکرم، ائمه اطهار و بزرگان صحابه به آن اهتمام ویژه ای داشته اند. از آیاتی که مربوط به روز غدیر است، آیه ۶۷ سوره مائده^۳ است. در روایات شیعه به صورت متواتر و قرطبی در تفسیر خود ادعای اجماع می کند که سوره مائده، آخرین سوره ای است که نازل شده است و بخشی از آن مربوط به حجة الوداع است.^۴ اگرچه آیه غدیر در سیاق آیات مورد خطاب به اهل کتاب، قرار گرفته است، اما کاملاً بر امت رسول الله قابل تطبیق است.

در حالیکه لحن خداوند در این آیه بسیار متفاوت با آیات دیگر است، به پیامبر می فرماید ای پیامبر آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است را به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!^۵ فلذا همانطور که اهل کتاب مأمور هستند که به تورات و انجیل عمل بکنند، مسلمانان نیز و خلیفه دارند. که به قرآن و سنت پیامبر عمل میکنند.

متن حدیث غدیر

حدیث غدیر در بسیاری از منابع حدیثی اهل سنت روایت شده است. برای نمونه به یک نمونه از متن حدیث غدیر اشاره می کنیم که نشانی آن را به سند صحیح از زیدبن ارقم نقل کرده است

زید چنین نقل می کند که:

هنگایی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از حجة الوداع مراجعت می فرمود در غدیر شم فرود آمد. امر فرمود که زیر درختان آن جا را جاروب کردند، سپس فرمود:

«كأن قد دعيت فأجبت، اني قد تركت فيكم الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي اهل بيتي، فأنظر و كيف

تخلفوني فيهما، فأنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛ سپس فرمود: إلى الله مولاي وأنا والي كل مؤمن؛»

۳. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (آیه غدیر)

۴. الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۳۰

۵. سوره مائده، آیه ۶۷

آنگاه دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود:

«من كنت وليه فهذا وليه. اللهم وال من والته وعاد من عاداه...»^۶

آنچه بیان شد یک نمونه از متن حدیث غدیر است که به سند معتبر از زیدین ارقم نقل شده است.

فراز و نشیب‌های متن حدیث غدیر

در بسیاری از منابع اهل سنت، مانند صحیح مسلم^۸ آمده است که راوی گوید، رسول خدا برای ما خطبه خواند. در کتابی دیگر راوی گوید که مضمون خطبه حمد و ثنای الهی توسط پیامبر و موعظه مردم به دستورات الهی بود.^۹ هیشمی در مجمع الزوائد، نقل می‌کند که راویان گفتند: پیامبر تمام اموری را که تا روز رستاخیز واقع می‌گردد را برانی ما بازگو کرد.^{۱۰}

حالا حق ما نیست که بپرسیم؛ موعظه‌های رسول خدا چه بود و چه شد؟! خطبه رسول خدا در آن روز چه بود؟ عاقبت آن چه شد؟! وقایع آینده و امور مهم مربوطه به سرنوشت این امت را چرا نقل نکردند؟! مگر اینان حافظان سنت نبوی نبودند؟! چرا با خوداری از نقل چنین میراث گرانبهایی، خسارتی جبران ناپذیر بر پیکره ذخایر علمی امت وارد نمودند؟! آیا جوابی قانع‌کننده برای این مسأله دارند؟!

حدیث غدیر نزد صاحبان صحیحین

^۶. گویا به سوی حق تعالی فرا خوانده شده‌ام؛ از این رو دعوت او را اجابت کردم. به راستی که من در میانه شما، دو گوهر گرانبها به جای میگذارم که یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است. قرآن کتابه خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. پس توجه داشته باشید که پس از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد؟ هما نا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه در کنار حوض کوثره بر من وارد شوند.

^۷. فضائل الصحابة، مثل ح ۴۵؛ خصائص امیر المؤمنین سعد، ج ۷۹؛ مسند احمد: ج ۱۸۳۸

^۸. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۸۸۳؛ مسند احمد ج ۵، ملامح ۱۸۱۵

^۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۳۳

^{۱۰}. مجمع الزوائد، ج ۹، صص ۱۰۴ و ۱۰۵

مسلم نیشابوری، فقط بخشی از حدیث غدیر را که همان مضمون حدیث ثقلین است با اندک تغییری در الفاظ نقل کرده است ولی بخشی را که با خطبه غدیر و نصب امیر المؤمنین به خلافت بلافصل ارتباط مستقیم دارد، نقل نکرده است و با این حال ما از او به دلیل نقل همین مقدار تشکر می کنیم در حالیکه بخاری، حتی یک کلمه از خطبه مفصل غدیر را نقل نکرده است.

ارتباط آیه غدیر و آیه ۱ و ۲ سوره معارج

در روز غدیر، پیش از خطبه، آیه ۶۷ سوره مائده نازل شد و بعد از به پایان رساندن خطبه، خداوند آیه ۳ سوره مائده^{۱۱} را نازل کرد. وقتی خطبه به پایان رسید و بیعت با امیرالمؤمنین به طور جدی مطرح شد، شخصی با نام «حارث بن نعمان فهری» نزد پیامبر آمد و به پیامبر اینچنین خطاب کرد، ما را به نماز خواندن امر نمودی، امتثال کردیم. دستور به پرداخت زکات فرمودی، اطاعت کردیم و ... و اکنون پسرعمویت را بعنوان ولی و سرپرست ما نصب نمودی! آیا این دستور خداست یا از پیش توست؟ پیامبر فرمود: این فرمانی از جانب خداوند است. حارث گفت: خدایا اگر آنچه محمد می گوید، حق است، بارانی از سنگ های آسمانی بر ما ببار، هنوز به مرکبش نرسیده بود که خداوند سنگی فرو فرستاد که بر فرقش خورد و از دامنش بیرون گشت.^{۱۲} سپس آیه ۱ و ۲ سوره معارج^{۱۳} نازل گردید.

راویان حدیث غدیر از صحابه و تابعین و علمای اهل سنت در قرون مختلف

طبق تحقیقی که صورت گرفته، بیش از ۱۲۰ مرد و زن صحابی، حدیث غدیر را نقل کرده اند، درحالیکه شمار حاضران در روز غدیر ۱۲۰ هزار نفر بوده است. اما شمار راویان حدیث غدیر از تابعین، چندین برابر صحابه است، زیرا افراد بسیاری از تابعین این حدیث را از یک صحابی شنیده اند. اما از مشهورترین علمای اهل سنت که حدیث غدیر را نقل کرده اند می توان

۱۱. الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

۱۲. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۵؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۱

۱۳. سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

به: شافعی، عبدالرزاق صنعانی، احمد بن حنبل، ابن ماجه، ترمذی، نسائی، ابن حبان، ابن عساکر، بغوی، ابن اثیر، ابن کثیر، ابن حجر، ذهبی، متقی هندی و ... اشاره کرد.

اسناد حدیث حدیث

حدیث غدیر با سندهای بسیاری نقل شده و فراتر از حد تواتر است. شاهد بر این مدعا:

الف) حدیث غدیر ضمن کتاب های احادیث متواتر ب) تصریح علمای اهل سنت به تواتر این حدیث.

الف) حدیث غدیر ضمن کتاب های احادیث متواتر

علمای بزرگی مانند: سیوطی، مرتضی زبیدی، کتانی، شیخ علی متقی هندی، ملا علی قاری که کتاب های ویژه‌ای در احادیث متواتر نوشته اند، حدیث غدیر را در ضمن این کتاب ها آورده اند.^{۱۴}

ب) تصریح علمای اهل سنت به تواتر حدیث غدیر

علمایی مانند: ذهبی، ابن کثیر و شمس الدین جزری به تواتر حدیث غدیر تصریح کرده اند.^{۱۵}

تواتر لفظی حدیث غدیر

شیخ عبدالعزیز دهلوی

شیخ عبدالعزیز دهلوی می گوید:

^{۱۴} نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۹۵؛ النصائح الکافیة، ص ۹۲؛ نفحات الأزهار، ج ۸، ص ۳۱۹؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۲۳، ص ۱۰؛ نظم المتناثر، ص ۱۹۴، ح ۲۳۲
^{۱۵} سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۳۵؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۱۳؛ أسنى المطالب، ص ۴۰۳

«اگر حدیثی به تواتر رسید و صدورش از پیامبر قطعی شد، در حکم آیه قرآن خواهد بود، پس همانگونه که قرآن قطعی الصدور و از جانب خداوند است و جایز نیست واژه ای از آن رد و یا باطل شود و هر که چنین کند، کافر خواهد بود و تردیدی در این مطلب نیست، ... همانطور که هر حدیثی که با سندهای قطعی و یقینی و در حد تواتر از پیامبر به ما برسد، به منزله آیه ای از آیات قرآن خواهد بود.^{۱۶}»

با توجه به مطالبی که در سرفصل «اسناد حدیث غدیر» بیان کردیم، علمای اهل سنت اعتراف کرده اند که حدیث غدیر از احادیث متواتر است. پس نتیجه کلام دهلوی پیرامون حدیث غدیر این می شود که فرمایش پیامبر: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه.» از این جهت که به صدور آن از پیامبر قطع و یقین داریم، همانند آیه ای از آیات قرآن خواهد بود و تکذیب و رد آن حرام است.

دلالت حدیث غدیر بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بنابر آیه قرآن، پیامبر از مؤمنان به خودشان سزاوارتر است^{۱۷} و حضرت از مردم بنابر همین معنا، اقرار گرفت و در نتیجه فرمود: «فمن کنت مولاه فعلی مولاه»

و در متن دیگری فرمود: «فمن کنت ولیه فعلی ولیه»

و در متنی دیگر آمده است: «فمن کنت امیره، فعلی امیره» بنابراین پیامبر، همان اولویت قرآنی را که برای خودش ثابت بود، برای حضرت، ثابت فرمود. مردم به دستور پیامبر با لقب «امیرالمؤمنین» به حضرت سلام دادند و با او بیعت کردند و تهنیت گفتند.

محور استدلال در حدیث غدیر واژه «مولی» است. شیخ عبدالعزیز دهلوی و بعضی دیگر از علمای اهل سنت گفته اند که: به اتفاق اهل لغت، واژه «مولی» به معنای اولی استعمال نشده، بنابراین ادعای شیعه باطل است.

^{۱۶}. تحفه اثنا عشریه

^{۱۷}. سوره احزاب، آیه ۶

در حالیکه ما می‌گوییم: حدیث غدیر فقط با لفظ «مولی» نقل نشده، بلکه با واژه‌هایی مثل «ولی» و «امیر» آمده است. همچنین در علم حدیث قاعده‌ای وجود دارد که: «الحدیث یفسر بعضه بعضا» و اگر «مولی» مبهم باشد، سایر نقل‌ها ابهام را برطرف می‌کند و نهایتاً در قرآن کریم،^{۱۸} کتاب‌های روایی مانند: صحیح بخاری و صحیح مسلم، اشعار فصیح عرب و تصریح لغویانی مانند: ابوزید، اخفش، ثعلب، مبرد و ... دلالت می‌کند که «مولی» در لغت عرب به معنای «أولی» به کار رفته است.

انگیزه‌های عدم نقل حدیث غدیر

الف) تقیه از ترس یکدیگر

راوی می‌گوید به سعد بن ابی وقاص گفتم: از تو سؤالی دارم ولی از تو تقیه می‌کنم! ... راوی گوید: گفتم جایگاه پیامبر در میان شما در روز غدیر، چگونه بود؟ سعد بن ابی وقاص شروع به نقل حدیث نمود.^{۱۹}

ب) کوفی بودن

راوی گوید: ابن ابی اوفی را دیدم و درباره حدیثی از او پرسیدم. او گفت: به راستی که شما مردم کوفه، حالاتی دارید که نمی‌توانیم برایتان احادیث را نقل نماییم ... گفتم حدیث علی در غدیر خم.^{۲۰}

ج) راوی می‌گوید، نزد زید بن ارقم رفتم و به او گفتم: دامادم از تو حدیثی در شأن علی در روز غدیر خم برای من نقل کرده است ... زید گفت: شما مردم عراق حالاتی دارید که مانع از نقل حدیث برای شما می‌شود ...^{۲۱}

^{۱۸}. سوره حدید، آیه ۱۵

^{۱۹}. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۶۲

^{۲۰}. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغالی، ص ۱۶

^{۲۱}. منسند احمد، ج ۴، ص ۳۶۸

زید بن ارقم، حدیث غدیر را برای ۳ نفر مختلف، متفاوت نقل می کند و کلام پیامبر را کامل بیان نمی کند. برای شخصی دعای آخر را نقل نمی کند و برای شخص دیگر، دعای آخر را نقل می کند و برای شخصی غیر از آن دو، یک دعای اضافه ای نقل می کند.^{۲۲}

تلاش های ناکارآمد برای بی اعتبار کردن حدیث غدیر

الف) علی در حجة الوداع نبوده است

فخر رازی ضمن یک متن سخیف و بی اساس ادعا می کند که حضرت علی(علیه السلام) هنگام حجة الوداع در یمن بوده و هر روایت یا حدیث مربوط به غدیر، دروغ است.

اما علمای اهل سنت مانند حجر مکی^{۲۳} و ملاعلی قاری،^{۲۴} این قول فخر رازی را رد کرده اند و گفته اند که حضرت در کنار پیامبر، حضور داشتند و از طرفی این اشکال بی اساس، نشان می دهد که حدیث غدیر بر امامت و خلافت حضرت علی(علیه السلام)، دلالت کامل دارد.

ب) حدیث غدیر، متواتر نیست

^{۲۲}. همان

^{۲۳}. الصداق المحرقة، ص ۲۵

^{۲۴}. مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح، ج ۵، ص ۵۷۴

ابن حزم اندلسی و بعضی از پیروانش و از معاصران شیخ سلیم بشری، منکر تواتر «حدیث غدیر» شده اند. شیخ سلیم طی نامه ای به سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی می نویسد: «شما شیعیان قائلید که امامت، اصلی از اصول دین است و شکی نیست که اصول دین جز با خبرهای متواتر و یا دلیل های قطعی ثابت نمی شود و ما در تواتر حدیث غدیر با شما موافق نیستیم، در نتیجه امامت علی با حدیث غدیر ثابت نمی شود.»

ما در صفحات ۳ الی ۴ به تفصیل درباره تواتر حدیث غدیر، سخن گفتیم؛ ر.ک.

ج) حدیث غدیر دلالت بر امامت بلافصل نمی کند!

اهل سنت مدعی هستند که ما حدیث غدیر و دلالت آن را می پذیریم، اما دلالت بر خلافت بلافصل ندارد و خلافت حضرت، بعد از عثمان را ثابت می کند!

اولاً: اشکال شما، مصادره به مطلوب است و ابتدا باد با دلیل های معتبر و قطعی، امامت ۳ خلیفه اول را ثابت کنید و بعد اشکال کنید.

ثانیاً: مضمون حدیث غدیر این است که حضرت حتی از این ۳ نفر نیز به خودشان «اولی» و شایسته است و در نهایت روز غدیر این ۳ نفر با حضرت بیعت کردند و بیعت مقید به بعد از عثمان، خلیفه بودن، نکرده اند.

د) حدیث غدیر، دلالت بر امامت باطنی می کند

اهل سنت خلافت و امامت به دو قسم باطنی (همان متصرفه) و ظاهری تقسیم کرده اند و حضرت را خلیفه و امام باطنی می دانند و سه خلیفه اول، خلفای ظاهری هستند! این اشکال بیشتر شبیه مضحکه است تا سخن علمی و کأنه امر امامت به آنها سپرده شده است تا هر قسمی را که بخواهند به دیگری بدهند.

نتیجه

پیامبر حجه الوداع و روز غدیر، به دستور خداوند متعال، حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین و خلیفه بلافصل خود قرار داده اند. در آن روز اتفاقات خاصی از جمله خطبه خواندن پیامبر، بیان اتفاقاتی که تا روز قیامت اتفاق می افتد، توسط پیامبر، به درک واصل شدن حارث فهری و نزول عذاب الهی بر او، بیعت خلفای سه گانه و مردم حاضر با حضرت علی (علیه السلام) و ... که همه اینها در جای خود بر اهمیت روز غدیر و واقعه غدیر، می افزاید.

حدیث غدیر به طور متواتر لفظی در کتب اهل سنت نقل شده است و اشخاصی مانند: ذهبی، ابن کثیر و ... به تواتر حدیث تصریح کرده اند و از این جهت اشکالی به صحت حدیث غدیر وارد نمی شود. اما از لحاظ دلالت نیز، اشکالی بر حدیث غدیر وارد نیست، چون به صورت الفاظ مختلف نقل شده است و روایت های همدیگر را تفسیر و توضیح می دهند و از جهتی لفظ «مولی» که در نقل مشهور به کار رفته است معنای «اولی» می دهد و این معنا در قرآن، روایات و اشعار عربی به کار رفته است. البته در برهه ای از زمان عده ای از صحابه حدیث غدیر را به دلیل شرایط جامعه آن زمان، از نقل آن اجتناب می کرده اند و این کار آنها باعث جلوگیری از تواتر حدیث غدیر نشده است. در نتیجه «حدیث غدیر» هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنا و هم از لحاظ اتفاقات آن روز، دلالت بر امامت و خلافت بلافصل حضرت علی (علیه السلام) می کند و هیچ اشکالی نه از حیث لفظ و نه از حیث معنا برمدعا و اعتقاد شیعه وارد نیست.

«والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته»